

دریچه

رشد چپ در یونان

محمود فاضلی

■ آرای کسب‌شده از سبوی حزب ائتلاف چپ یونان موسوم به سیریزا در انتخابات ۲۸ خرداد این کشور نشان داد که چپ مدرن یونان با درک حساسیت‌های مردم این کشور و شعارهای انتخاباتی به جایگاه جدیدی در ساختار سیاسی این کشور دست یافته‌است.این حزب در انتخابات اخیر با کسب ۲۶/۸۹درصد موفق به کسب ۷۱ کرسی از ۳۰۰ کرسی پارلمانی شد که در تاریخ معاصر یونان چنین موفقیتی برای یک گروه چپگرای سابقه‌بوده است. این حزب ۱۰/۱۲درصد (۵۹۲هزار رای بیشتر) بیش از انتخابات گذشته رای به دست آورده است. آرای این حزب در مقایسه با سال ۲۰۰۹ شش‌برابر بیشتر شده است.این حزب در انتخابات ۱۷ اردیبهشت ۱۶۷۸درصد کسب کرده و ۵۲ کرسی پارلمانی را در اختیار داشت. اقبال عمومی مردم یونان به این حزب چپ در حالی است که حزب کمونیست این کشور که از باسابقه‌ترین احزاب سیاسی این کشور است، در مقایسه با انتخابات گذشته آرای کمتری به دست آورده است.

آقای چپیراس رییس ۳۷ساله این حزب جوان‌ترین رهبر احزاب راه‌یافته به پارلمان بوده و از مخالفان اصلی موافقت‌نامه وامی با اتحادیه اروپا، صندوق بین‌المللی پول و بانک مرکزی اروپا به شمار می‌رود.وی یک روز پیش از انتخابات پارلمانی، دو حزبی که موافقت‌نامه فوق را امضا کرده‌اند را متهم کرد در روزهای اخیر آنها تلاش کردند تا وحشت در میان رای‌دهندگان ایجاد کنند و می‌خواهند ملت یونان وحشت‌زده پای صندوق‌های اخذ رای بروند. وی از مردم کشورش خواسته بود در روز انتخابات بین «دولت وابسته به توافق‌نامه وامی» و «دولت مترقی» یکی را انتخاب کنند.

وی پیش از برگزاری انتخابات و اعلام نتایج، بارها اعلام داشته بود از همکاری با دولتی که دو حزب محافظه‌کار نئودموکراسی و حزب‌سوسیالیست (پاسوک) در آن مشارکت داشته باشند و به آن دولت وحدت ملی، مسؤولیت مشترک، تفاهم ملی یا هر نام دیگری بر آن گذارند، خودداری خواهد کرد چراکه مشارکت در دولتی با دو حزب مدافع توافق‌نامه وامی، پذیرش شراکت در جرم است و با کسای که عامل وضعیت کنونی هستند شریک‌نخواهیم شد.وی همچنین در سخنرانی انتخاباتی خود در شهر «پاترا» «توافق‌نامه وامی را «افغان‌پاره» عنوان کرد. چپیراس بر مذاکره مجدد با اروپایی‌ها جهت اصلاح محتویات غیرمنطقی توافق‌نامه وامی و اتخاذ برنامه اقتصادی جدید تأکید کرد، به گفته وی «اسپانیا بدون اتخاذ توافق‌نامه واکم و برنامه ریاضتی تحمیلی وام صدمیلیارد یورویی دریافت کرد، این راه‌حل برای یونان نیز باید انتخاب شود. اسپانیا مجبور به ترک یورو نشد رهبر راستگرای اسپانیا تحت فشار انکلا مرکل حاضر به پذیرش توافق‌نامه وامی نشد».

رهبر حزب سیریزا معتقد است عداوی می‌توانند تصور کنند حزب راستگرای مموکراسی نوین در انتخابات پارلمانی پیروز شده است اما این مردم هستند که پیروز شده‌اند، زیرا نمی‌توانند بیش از این طرح‌های ریاضتی را تحمل کنند. همه در یونان و بروکسل این مساله را می‌دانند. ما به مبارزه سیاسی ادامه می‌دهیم. آینده از آن ماست، یکی از طرفداران این حزب نیز می‌گوید «به هیچ عنوان نمی‌توان گفت حزب ما در انتخابات شکست خورده است. مردم به طرح‌های ریاضتی اعتراض دارند. به همین دلیل ما به مبارزه در این‌ راه ادامه می‌دهیم. به واقع نتیجه این انتخابات آغاز راه برای ماست، نتیجه مطلوبی که سیریزا به دست آورده است نه تنها در یونان بلکه در سراسر اروپا تاثیر گذار خواهد بود. متوقف کردن ما غیرممکن است».

رهبر حزب سیریزا شکست در انتخابات را پذیرفت اما پیشنهاد ساماراس رییس حزب نئودموکراسی مبنی بر مشارکت در تشکیل یک دولت وحدت ملی را رد کرد. وی گفت که همچنان با صدای قدرتمند مخالف اقدامات ریاضتی در گروه مخالفان دولت باقی خواهد ماند. حتی اگر سیریزا نتوانست باشد در رتبه اول قرار بگیرد، اما اکنون اساسی‌ترین مجموعه در نمایندگی آن بخش از جمعیت یونان است که ترقی‌خواه و مخالف بسته ریاضتی هستند.

رهبر حزب سیریزا، حزب چپگرای یونان، که در آستانه برگزاری انتخابات پارلمانی رقابتی تنگاتنگ با راستگرایان داشت، وعده داده بود، در صورت پیروزی در این انتخابات انقلابی مسالمت‌جویانه و آرام در یونان به راه خواهد انداخت و مردم دیگر کشورهای اروپایی را که از سیاست‌های ریاضت اقتصادی رنج می‌برند برای حرکت در این مسیر انقلابی ترغیب خواهد کرد. وی اعلام داشته بود دولت احتمالی چپ بسیاری از قوانین ناشی از توافق‌نامه وامی که به رژیم و قوانین کاری مربوط می‌شود را در پارلمان لغو کرده و نظام مالیاتی عادلانه‌تری به اجرا خواهد گذاشت. به گفته وی فردی روزی که ما در انتخابات پیروز خواهیم شد، نیروهای فساد و رباخواران بین‌المللی کشور ما را ترک خواهند کرد زیرا مردم ما در حال رقم زدن تاریخ هستند. وی افزود: «ما قصد نداریم شریک‌کاری اروپایی‌مان را تهدید کنیم و فقط می‌خواهیم آنها را متقاعد کنیم که اتحادیه اروپا در حال از بین بردن همه راه‌های نجات است. به نفع همه ماست که به این فاجعه پایان دهیم. وی اعلام کرده بود اروپایی‌ها باید بداندن سیاست ریاضتی شکست خورده است. می‌خواهیم یک برنامه کاری دیگری را بررسی و جایگزین کنیم تا به اهدافی که ما به آن متعهد شدیم خدمت کنیم و اقتصاد کشور را ثبات ببخشیم.» رهبر چپگرای یونان با تأکید بر اینکه هدف وی باقی ماندن کشورش در یورو است در عین حال از فاش کردن برنامه خود در صورتی که طلبکاران کشورش با هر گونه امتیازی مخالفت کنند، خودداری کرد.

یک خط مرزی آنها را به دو کره جداگانه تقسیم کرده است؛ به دو سیاره متفاوت؛ یکی شده کره‌شمالی و دیگری کره‌جنوبی. قسمت شمالی آن با طباب تحریم روز به روز بیشتر به نابودی مردمانش نزدیک می‌شود و قسمت جنوبی آن از اقتصاد پویا هر هر روز فربه‌تر از گذشته. قسمت شمالی اما با یک ثنوری اداره می‌شود. اساسنامه اداره یک مملکت بر اصولی استوار است که در خود کره‌شمالی ایندولوزی «جوچی» خوانده می‌شود. کیم اول از اوایل دهه ۵۰ تا دهه ۷۰ میلادی برای حاکم کردن اصول انقلاب تلاش کرد و در نهایت آن را به عنوان تنها سیستم اداره کره‌شمالی برگزید. جوچی در زبان کره‌شمالی برای مقاصد مختلفی استفاده می‌شود: بدنه اصلی، مسیر اصلی، روح اعتماد به نفس، این اصل که در کل قانون اساسی کره‌شمالی بسط پیدا می‌کند و باقی قوانین از آن نشأت می‌گیرد در بند ۴۱۴ آمده است. براساس این اصل انسان ارباب هر چیز است و در مورد هر چیزی تصمیم می‌گیرد. با این تفاسوت که یک گروه و یک نفر به عنوان «ستاد» می‌تواند روح حقایق را بهتر از دیگران درک کند در تفسیر این بند گفته می‌شود که توده مردم کره روح اصلی پیشرفت کشور هستند. این جمله را کیم ایل سونگ در سی‌ام ژوئن سال ۱۹۳۰ و تنها زمانی که ۱۸ساله بوده است در یک سخنرانی برای جذب توده‌ها بر زبان رانده بود اما همین، شده اصل قانون اساسی در کره‌شمالی. او در سال ۱۹۵۵

یک سخنرانی دیگر با بسط جوچی می‌گوید: «با رجوع به این ایندولوزی می‌توان در کارها به روح اصلی رسید به‌دور از هر گونه نگاه دگماتیک یا فرمالیستی؛ روحی که ما را به استقلال و خودکفایی خواهد رساند.» کیم در این سخنرانی از میلغان حزب کمونیست خواست تا با ارایه این ایده و با الهام از اهداف اتحاد جماهیر شوروی یک ثنوری مخصوص به کره‌ای‌ها (شمالی و جنوبی) ارایه دهند. ناظران اما می‌گویند که «جوچی» در نهایت تبدیل به یک کبی پیش پا افتاده از مانیفست حزب کمونیست شوروی شد که آن را در حال و روز امروزه کره‌شمالی می‌توان دید؛ حال و روزی که پرفسور «دانگوو جو»، اسناد‌دانگاه زبان «پیوه» از آن با عنوان «تلاش برای زنده ماندن مردم کره‌شمالی» یاد می‌کند. او در وصف مردم کره‌شمالی در مقاله‌ای تحقیقی می‌گوید که مردم این کشور در حبال حاضر برای زنده ماندن تقلا می‌کنند نه برای زندگی کردن. دانگوو جو می‌پوسد که در کره‌شمالی نظامی‌گری حرف اول را می‌زند. این نخستین راهبرد پیونگ یانگ است. همین امر اقتصاد این کشور را به رشد منفی رسانده است. به گفته او، این ثنوری نظامی‌گری در اواسط دهه ۹۰ قوت بیشتری به خود گرفت و از این تاریخ مردم کره‌شمالی برای زنده ماندن جنگجند. با این وجود در سر کیم پدربزرگ چیزی فراتر از این حال و روز کره‌شمالی بود. کیم ایل سونگ زمانی که سخن از توده کره می‌گفت، قسمت شمالی و جنوبی آن مد نظرش بود. او خود را در قامت اصلاحگری می‌دید که باید کره را تافته جدا یافته از کره زمین کند. او با ادعای اینکه توده مردم کره ارباب پیشرفت کشور هستند برای وحدت دو کره تصمیم گرفته. چیزی که در ذهن رهبران کره‌شمالی بر این اساس پرورش یافته بود این بود که این کشور در پناه شوروی می‌توانست قطعی دیگر در عالم سیاست باشد.

جوچی، ثنوری حمله به جنوب

شبه‌جزیره کره از سال ۱۹۰۵ به تصرف ژاپن درآمد و پنج سال بعد به طور رسمی بخشی از خاک ژاپن شد. با شکست ژاپن در جنگ جهانی دوم قسمت شرقی کره تحت نفوذ شوروی و قسمت جنوبی به تصرف آمریکا درآمد. به این ترتیب کره‌شمالی صاحب حکومتی کمونیستی و کره‌جنوبی پیروسیاست‌های کاپیتالیستی شد. در حالی که هر دو مدعی حکومت بر کل شبه‌جزیره بودند این اختلاف در سال ۱۹۵۰ به جنگ کره انجامید. کیم ایل سونگ اولین رهبر جمهوری کره‌شمالی که ایندولوزی جوچی را مبنی بر خودکفایی و استقلال به‌عنوان ایندولوزی رسمی حکومت برگزیده بود، با استفاده از این ثنوری دستور حمله به قسمت جنوبی را صادر کرد. در حالی که در فوریه و ژانویه سال ۱۹۴۵ میلادی (به ترتیب کنفرانس‌های بین‌المللی یالتا و پوتسدام) شبه‌جزیره کره به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم شده بود. قسمت شمالی در تصرف روس‌ها و قسمت جنوبی در اشغال آمریکایی‌ها بود.

«سارا فلاندرز» نامی آشنا در محافل صلح‌طلب آمریکاست. وی از فعالان با سابقه تشکیلات کارگری این کشور و از جمله چهره‌های مطرح در جنبش اشغال وال استریت است. تالیفات بود متعددی درباره خوی جنگ‌طلبانه و فاصله طبقاتی در آمریکا دارد. اما این روزها او به دلیلی دیگر مورد توجه رسانه‌ها و مردم آمریکا قرار گرفته: با کمک همکارانش کمیته‌یی در مخالفت با حمله نظامی آمریکا علیه ایران و اعمال تحریم‌های اقتصادی به‌راه انداخته است. مواضع این فعال ضدجنگ را از زبان خودش بشنوید.

■ ■ ■

چاه انگیزهای باعث شد، بخوابید این کمپین را به راه بیندازد؟

به نظر ما جنگ احتمالی جدید می‌تواند خطرناک و جدی باشد. در ضمن ما در این کمپین می‌خواهیم بگوییم که تحریم‌ها هم مثل جنگ‌های متعارف مخرب عمل می‌کنند. بسیاری از آمریکایی‌ها تاثیر تحریم‌ها را به‌درستی نفهمیده‌اند و آن را عملی کلامی‌بی‌ضرر می‌دانند. سیاستمداران یا حتی مردم صلح‌طلب آمریکا به غلط می‌گویند این جنگ نیست فقط تحریم است؛ یعنی یک اقدام صلح‌آمیز برای پیشبرد سیاست‌های آمریکا ولی ما می‌خواهیم بگوییم تحریم هم می‌تواند نوعی جنگ واقعی باشد علیه بی‌دفاع‌ترین بخش مردم یک کشور. همچنین در کمپینی که به راه‌انداخته‌ایم، می‌خواهیم بگوییم آمریکا از قدرت اقتصادی، مالی و بانکی خودش استفاده می‌کند تا کشورهایی را که تحریم در مورد آنان اعمال می‌شود، نابود کند. تحریم اقدامی است که هرگز با موفقیت همراه نبوده نمونه کوپا را ببینید. کوپا از هنگام انقلاب

جهان



یونان

زندگی دوگانه مردم کره در شمال و جنوب خطرمرزی

مدار ۳۸ درجه

حسین موسوی

مدار ۳۸ نیز به عنوان مرز دو کره تعیین شد تا اینکه بعدها از نو متحد شوند. همکاری دو دولت اما عملی نبود زیرا در ناحیه شمال رهبری را کمونیست‌ها به عهده داشتند و در جنوب طرفداران غرب بر سر کار بودند. عاقبت در سال ۱۹۴۸ تقسیم کره به دو کشور، شکل رسمی به خود گرفت و به دو حکومت کره‌شمالی (جمهوری دموکراتیک خلق کره) و کره‌جنوبی (جمهوری کره) تقسیم شد. در همین زمان و در اواسط سال ۱۹۴۹ میلادی نیز سربازان خارجی از هر دو کره خارج شده بودند. با این وجود برخی ناظران می‌گویند که به دنبال تحریک لاهمنادر آمریکا در ۲۵ ژوئن سال ۱۹۵۰ میلادی به خاطر اتحاد مجدد، کره‌شمالی به کره‌جنوبی حمله‌ور شد. با چراج سبز استالین نیز اجازه این حمله صادر شد. هفت لشکر پیاده و یک تیپ تانک عملیات را آغاز کردند. سازمان ملل متحد دست به کار شد و در همان روز، شورای امنیت قطعنامه‌ای را تصویب کرد که طی آن خواستار توقف جنگ و عقب‌نشینی کره‌شمالی به شمال مدار ۳۸ شد. در ۲۷ ژوئن، شورای امنیت سازمان ملل متحد به پیشنهاد آمریکا تصویب کرد که نیروهای چند ملیتی عضو آن سازمان، جهت مقابله با حمله کره‌شمالی به کره‌جنوبی بشتابند. به دنبال این تصمیم، آمریکا و ۱۵ کشور دیگر نیروهای نظامی خود را برای شرکت در جنگ اعزام کردند. ژنرال داگلاس مک‌آرتور تا سال ۱۹۵۱ فرماندهی نیروهای سازمان ملل را برعهده داشت. در این مدت نیروهای کره‌شمالی با سرعت زیادی در حال پیشروی در خاک کره‌جنوبی بودند. در روز ۲۸ ژوئن سئول به دست آنان سقوط کرد. پنج روز پس از حمله درددی باقی نماند که شکست نهایی از آن نیروهای کره‌جنوبی و متحدش به‌خصوص آمریکاست. از این رو آمریکا سواحل کره را محاصره کرده و شروع به بمباران مناطق صنعتی و مسکونی کره‌شمالی کرد. در تمام این مدت تلفات سنگینی به متحدان وارد می‌شد تا اینکه نیروهای تانفوس وارد جنگ شدند. با این همه در هفته‌های اول جنگ، نیروهای کره‌جنوبی و آمریکا به اطراف شهر پوسان در منتهای جنوب‌شرقی شبه جزیره کره عقب رانده شده بودند. به‌تدریج میزان نیروهای آمریکایی افزوده شد تا حدی که ورق به ضرر کره‌شمالی برگشت. در روز پانزدهم سپتامبر ۱۹۵۰ نیروهای آمریکایی در «پئچون» واقع در ساحل غربی کره‌جنوبی پیاده شده و طی حمله‌ای برآسا شهر سئول را اشغال کردند. سایر قوای متحدین نیز با پشتیبانی آمریکا در حملهای دیگر «شمالی‌ها» را به سوی شمال عقب نشاندند. قوای سازمان ملل به سوی نواحی شمالی پیش رفتند و در روز ۱۰ اکتبر شهر پیونگ یانگ پایتخت کره‌شمالی به دست آنان افتاد.

توقف جنگ و عقب‌نشینی کره‌شمالی

به شمال مدار ۳۸ شد. در ۲۷ ژوئن،

شورای امنیت سازمان ملل متحد به پیشنهاد آمریکا تصویب کرد که نیروهای چند ملیتی عضو آن سازمان، جهت مقابله با حمله کره‌شمالی به کره‌جنوبی بشتابند. به دنبال این تصمیم، آمریکا و ۱۵ کشور دیگر نیروهای نظامی خود را برای شرکت در جنگ اعزام کردند. ژنرال داگلاس مک‌آرتور تا سال ۱۹۵۱ فرماندهی نیروهای سازمان ملل را برعهده داشت. در این مدت نیروهای کره‌شمالی با سرعت زیادی در حال پیشروی در خاک کره‌جنوبی بودند. در روز ۲۸ ژوئن سئول به دست آنان سقوط کرد. پنج روز پس از حمله درددی باقی نماند که شکست نهایی از آن نیروهای کره‌جنوبی و متحدش به‌خصوص آمریکاست. از این رو آمریکا سواحل کره را محاصره کرده و شروع به بمباران مناطق صنعتی و مسکونی کره‌شمالی کرد. در تمام این مدت تلفات سنگینی به متحدان وارد می‌شد تا اینکه نیروهای تانفوس وارد جنگ شدند. با این همه در هفته‌های اول جنگ، نیروهای کره‌جنوبی و آمریکا به اطراف شهر پوسان در منتهای جنوب‌شرقی شبه جزیره کره عقب رانده شده بودند. به‌تدریج میزان نیروهای آمریکایی افزوده شد تا حدی که ورق به ضرر کره‌شمالی برگشت. در روز پانزدهم سپتامبر ۱۹۵۰ نیروهای آمریکایی در «پئچون» واقع در ساحل غربی کره‌جنوبی پیاده شده و طی حمله‌ای برآسا شهر سئول را اشغال کردند. سایر قوای متحدین نیز با پشتیبانی آمریکا در حملهای دیگر «شمالی‌ها» را به سوی شمال عقب نشاندند. قوای سازمان ملل به سوی نواحی شمالی پیش رفتند و در روز ۱۰ اکتبر شهر پیونگ یانگ پایتخت کره‌شمالی به دست آنان افتاد.

چه کسی جنگ می‌خواهد

مرجان پیشاپایی

ایجاد می‌شود.

❖ آمریکا در جنگ احتمالی علیه ایران، دنبال چه منفاعی‌است؟
در واقع دولت آمریکا در دست گروه کوچک بسیاری قدرتمند است. ائتلافی قوی از صاحبان صنایع نظامی، نفتی و بانکداران، حرف اول را در اقتصاد آمریکا می‌زنند. این همان چیزی است که مردم در جنبش اشغال وال استریت می‌گفتند: «یک‌درصد بر ۹۹درصد سلطه دارد.» ائتلاف صاحبان صنایع نظامی، بانکداران و نفتی‌ها در صورت وقوع جنگ، پول زیادی به جیب می‌زنند. حضور نظامی آمریکا در عراق هم برای مردم عراق و هم برای مردم آمریکا و سربازان آمریکایی یک فاجعه واقعی بود. آمریکا تمام صنایع زیربنایی و زیرساخت‌های عراق حتی کارخانجات تولید لبنیات را بمباران کرد. جمع کنبری شرکت‌های آمریکایی اما در واقع وقت‌ها هم در واقع تحریم‌ها به نوعی مرحله پیش از جنگ هستند و آن وقت همه از جمله رسانه‌ها در آمریکا درباره خطر کشور تحریم‌شده می‌گویند و نوعی آمادگی برای اقدامات جدی‌تر در افکار عمومی



دیدگاه

شبه جزیره کره: سایه دایمی جنگ

اسماعیل بشری



■ توسعه امپراتوری روسیه تزاری در شرق با شکست و درهم کوبیده شدن ناوگان دریایی این کشور در تنگه تسوشیما در برابر نیروی دریایی ژاپن در سال ۱۹۰۵ متوقف شد. ژاپن به عنوان یک قدرت نوظهور در شرق آسیا، شبه‌جزیره کره را که دارای حکومت مستقلی بود اشغال کرد ولی در سال ۱۹۱۰ با تقسیم این شبه‌جزیره با روسیه در مدار ۳۸ درجه، بخش جنوبی را ضمیمه خاک خود کرد. پس از پایان جنگ اول جهانی، کره در سال ۱۹۱۹ اعلام استقلال کرد ولی این استقلال دوام چندانی نیافت و شبه جزیره در همان اوان ورود ژاپن به جنگ به اشغال نیروهای ژاپنی درآمد. در دسامبر ۱۹۴۳ در کنفرانس قاهره سه دولت بریتانیا، ایالات متحده و چین به کره وعده دادند که پس از رهایی از زیر سلطه ژاپن به استقلال کامل نایل خواهد آمد. ولی براساس توافق‌های به عمل آمده در یالتا در سال ۱۹۴۵ کره مانند سایر کشورهای شبه جزیره هند و چین به دومنطقه اشغالی تقسیم شد. کره‌شمالی تحت اشغال روسیه قرار گرفت و کره‌جنوبی به اشغال نیروهای آمریکایی درآمد. به دلیل آغاز جنگ سرد میان دو ابر قدرت شرق و غرب حل مساله شبه‌جزیره کره میسر نشد و در دو بخش شمالی و جنوبی دو دولت جداگانه تشکیل شد. در شمال دولتی کمونیستی با عنوان جمهوری دموکراتیک خلق کره به رهبری کیم ایل سونگ و در جنوب دولتی توتالیتر با رسلت‌جمهوری سیاستمدار کهنسال کره‌ای سیگمان ری، بنام جمهوری کره شکل گرفت. در هر دو بخش کره پارلمان‌هایی تشکیل و کرسی‌هایی خالی برای نمایندگان شمال و جنوب در نظر گرفته شد. در سال ۱۹۴۹ اتحاد جماهیر شوروی نیز پس از انجام موفقیت‌آمیز آزمایش هسته‌ای تبدیل به قدرتی هسته‌ای شد و در عین حال ماثو تنسه دوتگ موفق به کسب قدرت در سراسر چین و تبدیل آن به جمهوری خلق چین شد. اگرچه از همان ابتدای تشکیل دولت کمونیستی در کره‌جنوبی کیم ایل سونگ مایل به تهاجم به جنوب بود ولی استالین رهبر وقت اتحاد شوروی این کار را به مصلحت نمی‌دید ولی پس از تحواتی که به آنها اشاره شد استالین نیز مهر تأیید بر طرر حمله به کره‌جنوبی گذاشت. نیروهای آمریکایی در سال ۱۹۴۹ به اشغال کره‌جنوبی پایان دادند؛ در حالی که دولت کره‌جنوبی از نیرو و تجهیزات نظامی توانمندی برخوردار نبود. به همین دلیل در ۲۵ ژوئن ۱۹۵۰ دولت کره‌شمالی با استفاده از این ضعف و دش حضور آمریکایی‌ها به کره‌جنوبی حمله‌ور شد. نیروهای کره‌شمالی با پشتیبانی سربازان ارتش آزادی‌بخش خلق چین در مدت کوتاهی بخش قابل‌توجهی از اراضی کره‌جنوبی را اشغال کردند. ایالات متحده، در حالی که اتحاد شوروی شورای امنیت سازمان ملل متحد را بایاکوت کرده بود، قطعنامه‌ای را در این شورا به تصویب رساند و پس از آن با جلب حمایت اکثر اعطای این سازمان یک نیروی ائتلافی قدرتمند متشکل از حدود ۲۰۰هزار سرباز آمریکایی و حدود ۴۰هزار سرباز از کشورهای مؤلفه به فرماندهی ژنرال مک آرتور آمریکایی وارد کارزار شبه‌جزیره کره شد. بعضی کارشناسان بر این باورند که شوروی وعده راه را برای تصویب قطعنامه شورای امنیت باز گذاشته بود تا ایالات متحده را در کره در جنگی پرخطر و به زرف تلفات درگیر کند، جنگی که در نهایت بیش از ۱۲۵میلیون کشته از دو طرف بر جای گذاشت و سهم نیروهای آمریکایی از این تلفات بیش از ۱۴۰هزار نفر بود. به هر حال جنگ کره در ۲۷ ژوئیه ۱۹۵۳ به آتش‌بس انجامید و قرارداد ترک محاصره امضا شد. بدون اینکه دولت کره‌جنوبی آن را امضا کرده باشد در عین حال هیچ معاهده صلحی تدوین نشد و شمال و جنوب به صورت دو کشور در حال جنگ باقی ماندند. در شمال کشور کمونیستی با کمک‌های نظامی و فنی اتحاد شوروی و چین تبدیل به یک پادگان نظامی با عضویت تقریباً تمامی افراد بالغ شد و در کره‌جنوبی یک دولت به ظاهر دموکراتیک ولی در عمل دیکتاتوری خشن با کمک ایالات متحده به بقای خود ادامه داد. درسال ۱۹۶۰ خیزش دانشجویی منجر به سقوط دولت سیگمان ری شد ولی ناآرامی‌های ناشی از نبود یک دولت مقتدر به کودتای نظامی توسط ژنرال پارک چونگ‌هی منتهی شد که افسری به غایت خشن و دیکتاتورمنش بود. ولی پارک در عین حال با اجرای برنامه‌های اقتصادی حساب شده رشد قابل‌ملاحظه‌ای برای کره‌جنوبی در پی آورد.

کره‌جنوبی پس از ترور ژنرال پارک درسال ۱۹۷۹، کودتای نظامی و همچنین حکومت نظامی خشن تری را تا سال ۱۹۸۷ تجربه کرد. در این سال جنبش دموکراسی خواهانه در کره‌جنوبی به ثمر نشست و از آن پس این کشور همواره از دولت‌های دموکرات برخوردار بوده است. در حال حاضر کره‌جنوبی با برخورداری از تولید ناخالص داخلی بیش از یک تریلیون دلار و درآمد سرانه ۲۳هزار و ۷۵۰دلار از نظر اقتصادی بسیار قدرتمندی برخوردار است در حالی که همسایه شمالی آن دارای درآمد ناخالص داخلی حدود ۴۵میلیارد دلار و درآمد سرانه حدود ۱۸۰۰ دلار است که خود مبین وضعیت موجود در شبه جزیره کره می‌باشد. دولت کره‌شمالی که از بدو تأسیس در اختیار خانواده کیم بوده توان رقابت اقتصادی با جنوب و در عین حال متحد قدرتمندی نظیر اتحاد شوروی را پشت سر خود ندارد. بنابراین این دولت تنها راه بقا را در تقویت توان نظامی و تجهیز ارتش خود در سلاح‌های هسته‌ای و موشکی یافته است. تلاش‌های دولت کره‌جنوبی برای وحدت دو کره به‌ویژه در دوران ریاست‌جمهوری کره‌یام جونگ و برنامه «سیاست آفتاب» وی به نتیجه مطلوبی نینجامیده است. به نظر می‌رسد تا هنگامی که عنصر ایندولوزی کمونیستی از یک سو و کشیشخصیت‌پرستی از سوی دیگر بر سیاست کره‌شمالی سایه انداخته باشد سایه جنگ بر شبه‌جزیره کره تداوم خواهد یافت.

سوسیالیستی که رهبران کره‌شمالی به آن متوسل شده‌اند در پشت پرده زندگی آنان پیرو پروپاقرصی ندارد. در حالی که کره‌شمالی شش‌میلیون نفر با کمبود شدید موادغذایی روبه‌رو هستند، کیم جونگ‌ایل، رهبر سابق این کشور، سالانه برای غذای سگ‌هایش ۱۲۰هزار پوند هزینه می‌کند. این اطلاعات توسط سازمان‌های اطلاعاتی کره‌جنوبی به بیرون درز کرده است. به نوشته دلی‌میل، مقامات کره‌جنوبی می‌گویند که رهبر سابق کره‌شمالی همچنین ۶۰۰بطری گران‌قیمت مشروبات الکلی از فرانسه خریداری کرده بود. او با این بطری‌ها از اعضای حزب کمونیست در مجالس درون گروهی پذیرایی می‌کرد. به گفته همین مقامات، رهبر کره‌شمالی، یوشن کالاهای لوکس را از دوستان نزدیک خود، یعنی چین و روسیه تهیه می‌کرد. همچنین رهبر کره‌شمالی چندین رأس اسب گران‌قیمت روسی و جت‌اسکی‌های آمریکایی برای تفریح خود و خانواده‌اش تهیه کرده بود. این در حالی است که یک‌سوم کودکان این کشور از سوءتغذیه شدید رنج می‌برند. اوضاع کمبود موادغذایی در این کشور به حدی وخیم است که رئیس دفتر سازمان ملل «والری آموس»، رییس دفتر سازمان ملل در زمینه هماهنگی امور بشر دوستانه، از آن به عنوان «بحران انسانی» یاد می‌کند. او پیش از این نیز از کمک‌کنندگان

بین‌المللی خواسته بود با توجه به بحران انسانی در کره‌شمالی، مشکلات و مسایل سیاسی را نادیده بگیرند و بی‌درنگ به این کشور کمک کنند. آموس در این خصوص گفت: «از ۲۱۰میلیون دلار برآورد به عمل آمده از نیاز کره‌شمالی برای مقابله با کمبود شدید موادغذایی در این کشور، تنها حدود ۱۵درصد آن تهیه و تأمین شده است.» این مقام سازمان ملل با توجه به تحریم کره‌شمالی، روند کمک به مردم این کشور را «کند و غیرمنصفانه» دانست و گفت: «به دلیل شرایط سیاسی کره‌شمالی و از آنجا که بسیاری از کشورها خود را قادر به حمایت از کمک‌رسانی به آن کشور نمی‌بینند، وضعیت پیش آمده که نیازمندان کره‌ای تنها ۲۵درصد از سهمیه غذایی دست می‌یابند که ما برای بقای آنان ضروری می‌دانیم.» کارشناسان اعتقاد دارند که عملکرد رهبران کره‌شمالی در سطح جهان، اوضاع این کشور را در حالی است که بحرانی رسانده است. آنها می‌گویند کشوری که از کمبود شدید موادغذایی رنج می‌برد، چار باید دست به تهیه انواع سلاح‌های کشتار جمعی بزند. در این راستا مجلس نمایندگان آمریکا نیز با این توجیه که کمک غذایی به کره‌شمالی موجب تقویت نظام حاکم بر آن کشور و نه تغذیه رستگاران می‌شود، کمک‌رسانی را غیرممکن اعلام کرد. کره‌شمالی را ممنوع کرد. این در حالی است که کره‌شمالی سال گذشته مذاکرات خلع سلاح هسته‌ای را ترک و پس از آن یکی از تجهیزات اتمی خود را آزمایش کرد که با تشدید تحریم‌ها از سبوی سازمان ملل و به‌رو هر شد. پیش از این «پی‌جی‌کرولی»، سخنگوی وزارت دفاع آمریکا گفته بود که این تحریم‌ها ادامه خواهد داشت، چراکه کره‌شمالی مرتب در اجرای وظایف بین‌المللی خود ناکام مانده است. این در حالی است که یکی از روزنامه‌های کره‌شمالی در واکنش به ادامه تحریم‌های سازمان ملل علیه این کشور گفته‌بود که نیروی بازدارندگی کشور تا زمانی که تهدیدهای نظامی آمریکا وجود دارد، به میزان صد هزار برابر افزایش خواهد یافت.افزایش توان نظامی در کره‌شمالی در حالی در اولویت قرار گرفته است که در قسمت جنوبی آن درآمد سربه‌سر مردم به ۲۶هزار دلار رسیده است اما در قسمت شمالی، مردم آن دیار از سوءتغذیه شدید رنج می‌برند.

منبع:

http://www.koreatimes.co. kr/www/news/nation/2012/06/116_113544. html
http://en. wikipedia. org/wiki/Juche
http://www.koreatimes.co. kr/www/news/nation/2012/06/116_113519. html
http://www.koreatimes.co. kr/www/news/nation/2012/06/116_113387. html
http://econ10. bu. edu/economic_systems/Country_comparisons/Korea_North_South. htm

پیروز این جنگ نبود. تنها شرکت‌ها و موسسات قدرتمند اقتصادی سود هنگفتی بردند.
❖ **چندچ قبل گزاشنی را می‌خواندم که در زمان دولت یوش هر دلاری که آمریکا ادعا می‌کرد در افغانستان خرج کرده به نوعی از سهام شرکت‌هایی بوده که دونالد رامسفلد وزیر دفاع در دولت بوش) در آنها سهام داشته است.**
بله، بسیاری از مسوولان دولت بوش مانند رامسفلد و دیگ جنی (معاون رییس‌جمهور در زمان بوش) سهامدار شرکت‌هایی بوده‌اند که از این جنگ پول زیادی درآورد.
❖ **فکر نمی‌کنید برای راه‌انداختن چنین جنگی این دلیل کافی نباشد؟**
البته این تنها دلیل جنگ نبود. آمریکا می‌خواهد نشان دهد که هیچ‌کس توان ایستادن در برابر قدرت این کشور را ندارد. پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد شوروی، عصر نوینی برای آمریکا شروع شد. آمریکا فکر کرد که می‌تواند روابطی را از نو احیا کند که در گذشته باعث برتری مطلق یک ابرقدرت در جهان می‌شده و خود در راس هرم قدرت جهانی قرار گیرد.
❖ **فکری کنید چقدر در مخالفت با سیاست‌های خارجی جنگ طلبانه آمریکا به اهداف خود خواهید رسید؟**
آنچه دولت آمریکا می‌خواهد انجام دهد، امکان ندارد. فکر می‌کنم نظام سرمایه‌داری آمریکا سخت گرفتار بحران است و هیچ راه برون‌رفتی ندارد. وضعیت آمریکا در حال بدتر شدن است و به‌طور قطع جنگ و کشتن مردم بی‌دفاع چاره مشکلات پیچیده آمریکا نخواهد بود.